

یک جوری مثل خودمان

نقدی بر کتاب «یه جوری مثل...»

سارا معدندار

نام کتاب: یه جوری مثل...
 نویسنده و تصویرگر: پیتر اچ. رینولدز
 مترجم: سهراب مهدوی
 اجرای صفحات: حمیده درویش
 ناشر: کتاب خروس (نشر نظر)
 چاپ اول: تهران ۱۳۸۸
 گروه سنی: ب، ج
 موضوع: استعداد نقاشی و اعتماد به نفس در کودکان
 قیمت: ۱۶۵۰ تومان



بیشتر با نویسندگانی که خود تصویرگر کتابشان هستند آشنا شده‌ایم. شل سیلور استاین و پیتر رینولدز از همان دسته نویسندگان است. همان‌طور که پیتر رینولدز خود می‌گوید، زندگی او خلاصه شده در طراحی‌های روان و تصادفی (بدون فکر) و تخیل کردن. او از معاشرت با دیگران لذت می‌برد و اغلب طرح‌هایش در این حین شکل می‌گیرند. می‌توان این‌طور گفت که او هم‌زمان هم تخیل می‌کند و هم تصویر را بر روی صفحه می‌آورد و این‌جاست که داستان شکل می‌گیرد. با نگاهی به سایت نویسنده^۱ در می‌یابیم که شخصیت محوری داستان‌های رینولدز پسر بچه‌ی کوچکی است که گویا خردسالی خود نویسنده است. تخیل آمیخته با خاطرات دوران کودکی، طرح اصلی داستان‌های وی را شکل می‌دهند. زمانی که تنها هفت سال داشت معلمش شهامت تخیل کردن را به او یاد داد و به اعتراف خودش مسیر زندگی‌اش را تغییر داد. معلم رینولدز که به علاقه‌اش به هنر پی می‌برد او را به طراحی تشویق می‌کند تا جایی که از او می‌خواهد داستان و یا برنامه‌ای طراحی کند تا همکلاسی‌هایش ریاضی را بهتر درک کنند، این‌جاست که وی با استفاده از ریاضی، اولین کتاب کمیکش را طراحی می‌کند.

این دسته از نویسندگان مصورساز در رساندن مفهوم داستان موفق‌تر از سایرین هستند زیرا نیازی به تفهیم فضای داستان به تصویرگر ندارند و تصویر خلق شده عین داستان است و بنابراین تأثیر بیشتری بر خواننده‌ی اثر می‌گذارد.

«یه جوری مثل...» در قطع مربع کوچک و چاپ رنگی روی کاغذ گلاسه ارائه شده است. عنوان اصلی کتاب «ایش» (Ish) است. «ایش» پسوند صفت‌سازی است که در زبان انگلیسی جداگانه مفهومی ندارد. مانند تکه مقوایی که فرم مشخصی ندارد ولی در کنار تکه‌های دیگر می‌تواند فرم شناخته شده‌ای بسازد. نویسنده این فرصت را به کودک داده است تا خود، عنوان کتاب را با اضافه کردن کلمه‌ای به آن، انتخاب کند. با عوض کردن عنوان کتاب، مترجم تیز بینی و هدف نویسنده از انتخاب عنوان را نادیده گرفته است. مترجم می‌توانست یک پسوند فارسی را جایگزین پسوند انگلیسی کند مانند «گی» در سادگی یا «گون» در گلگون.

ایش

ماجرای کتاب، داستان پسر بچه‌ای است که سعی می‌کند از جهان اطرافش نقاشی کند. هنگامی که او مورد تمسخر برادرش قرار می‌گیرد، اعتماد به نفسش را از دست می‌دهد و طراحی‌های بعدی را دور می‌ریزد و در آخر تصمیم می‌گیرد که دیگر طراحی نکند. خواهر کوچک رامون (پسر داستان) طرح‌هایی را که او دور ریخته، جمع می‌کند و به دیوار اتاقش می‌زند و یک روز رامون او را تا اتاقش دنبال می‌کند. با دیدن طرح‌هایش روی دیوار دوباره اعتماد به نفس خود را به دست می‌آورد و دوباره نقاشی می‌کند. نکته‌ی اصلی، دست یافتن رامون به رویکردی جدید به جهان اطرافش می‌باشد. سابقاً او سعی داشت تا به شکلی تقلیدگونه عناصر اطرافش را همان‌طور که هستند، بنمایاند مثلاً گلدان را مانند گلدان بکشد. ولی بعد سعی کرد جوری که آن‌ها را می‌بیند نقاشی کند؛ با خطوط آزاد و رها و یک جوری مثل خودشان.



نقد تصاویر

تکنیک تصویرسازی رینولدز آبرنگ است. وی با تصویرسازی آزاد و رها بیشتر تلاش دارد تا در تصاویر از خطوط منحنی استفاده کند، خطوطی که در تصاویر وی حرف اول را می‌زنند.

در صفحه‌ی نخست کتاب، جایی که نوشته شده «رامون عاشق نقاشی است» او را دراز کش روی زمین، در حال نقاشی می‌بینیم. فضای اتاق خیلی ساده مصور شده، از عناصر اضافی در تصویر خبری نیست. کودک همان چیزی را که می‌خواهد، می‌بیند: پسرک در حال نقاشی، قلم مو و کاغذهای نقاشی شده.

«هر وقت»، تصویر شب دیر وقت را نشان می‌دهد که همه‌ی بچه‌ها در خواب‌اند.

«هر چیز»، تصویر سطل آشغالی است که مگسی در بالایش پرواز می‌کند. سطل آشغال کثیف، شیئی نیست که نظر کسی را برای طراحی جلب کند و این تنها از عهده‌ی کسی بر می‌آید که عاشق نقاشی است.

«هر جا»، دستشویی است که کودک دوست دارد زودتر آن‌جا را ترک کند. فقط یک عاشق نقاشی می‌تواند دقایقی را تأمل

گونه، به خاطر طراحی، در آن‌جا سپری کند.

همان‌طور که می‌بینید رینولدز بهترین انتخاب را برای نشان دادن فضای داستان کرده است. هیچ رنگی بهتر از قرمز نمی‌تواند هیجان را برای این نقاش کوچک ما هنگامی که در حال نقاشی است نشان دهد. این نشان می‌دهد که تصویرساز بر رنگ‌ها اشراف کامل دارد.

نکته‌ی جالب در فضا سازی کار، سادگی آن است. در تصویر نخست کتاب، میزی را در پس زمینه مشاهده می‌کنیم و در تصویری که برادر مشغول خندیدن است همان میز را به همراه گلدان رویش، این بار از نزدیک می‌بینیم. تصویرگر گویا از قبل تصویر را در ذهن فضا سازی کرده است. تصویر خوب تصویری است که در عین سادگی گویای داستان باشد. در تصاویر این کتاب عناصر همه سر جای خود قرار دارند. به عبارتی دیگر، تصاویر مکمل متن هستند. در همین تصویر، خواهر را کوچک در پس زمینه‌ی تصویر می‌بینیم. وجود او نشانه‌ی تداوم حضورش در داستان است. بر اساس تصاویر موجز و گویای رینولدز، بیننده به مشاهده‌ی عناصر اضافی در تصویر عادت ندارد. طراحی حالت، ابزار خوبی برای رساندن مفهوم به بیننده است. در جایی که رامون ناامید مداد را روی میز رها می‌کند و می‌گوید «ولش کن بابا»، حالت ایستادنش خیلی واضح و شل است.

در تصویری که رامون با اتاق مملو از طرح‌هایش مواجه می‌شود، بد نیست کمی به ترکیب‌بندی کادر به لحاظ مفهومی بپردازیم. چشم به راحتی از سمت چپ کادر وارد و به سمت راست کادر هدایت می‌شود و بعد در بازگشت، خط منحنی از راست به چپ بالای کادر را طی می‌کند و دوباره به در باز شده می‌رسد. در باز شده این‌جا در پیچه‌ی امید پسرک است و آغاز دوباره‌ی مسیرش و هنگامی که در تصویر بعدی از سوی خواهرش تشویق می‌شود، تصمیم می‌گیرد دوباره نقاشی کند. او هنگامی که متوجه می‌شود طرح‌هایش می‌توانند فقط یک جوری شبیه هر عنصری باشند، نقاشی را با شیوه‌ی جدید از سر می‌گیرد.

خط دوار تصویر بعدی آرامش خاطر رامون را نشان می‌دهد. در آخر کتاب او به جای نقاشی از عناصر اطرافش، مفاهیم انتزاعی را به نقش تبدیل می‌کند مثل «بی معنی»، «صلح»، «هیجان» و در انتها نقاشی‌ها به نوشته و سپس به شعر تبدیل می‌شوند. دلیل عدم شماره‌گذاری صفحات مشخص نیست، شاید چون کودک اهمیتی به آن نمی‌دهد ولی برای منتقد که می‌خواهد به تصاویر ارجاع دهد، کار کمی دشوار است.

کودکان از اینکه مورد تمسخر قرار بگیرند واهمه دارند همان‌طور که تشویق، شادشان می‌کند. هدف کتاب یاد دادن شیوه‌ی صحیح نقاشی است؛ کودک آن‌طور که دوست دارد نقاشی می‌کند نه آن‌طور که دیگران از او می‌خواهند.

این کتاب به بزرگترها هم نکته‌ی خوبی را آموزش می‌دهد: هدف از نقاشی کردن، نقاش شدن نیست، هدف رشد و پرورش خلاقیت کودک است. بر اساس داستان، رامون در آخر با کمک نقاشی شعر می‌گوید.